

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۲۲ جون ۲۰۱۵

## مجلس بیست و هشتم (دردوستی خدا)

روزنهم جمادی الاخر سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر (رضی الله تعالی عنه) در مدرسه چنین فرمودند: پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «إِنَّهٗ جَاءَ إِلَيْهٖ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنِّي أَحْبَبْتُ فِي اللهِ عَزَّوَجَلَّ، فَقَالَ لَهُ اِتَّخِذِ الْبُلَاءَ جُنَابًا، اِتَّخِذِ الْفَقْرَ جُنَابًا»- (شخصی به خدمت پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) رسید، گفت، ترا باخاطر خدادوست دارم، پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بدو فرمود: پس پوششی در مقابل بلا، و پوششی در برابر فقر برای خود تهیه کن، زیرا تو میخواهی متصف به صفت من شوی. شرط محبت سازگاری با بلا و فقر است. ابوبکر صدیق (رضی الله تعالی عنه) چون بحقیقت حب رسول را در دل جای داد، تمام ثروت خود را در راه او انفاق کرد، و در فقر با او مشارکت نمود، تا جائیکه نیازمند یک عبا شد! در ظاهر و باطن، آشکار و پنهان با او موافق و همراه بود، در نتیجه به صفت آن حضرت متصف گردید. اما تو ای دروغگو ادعای محبت دوستی صلحاء را داری، اما در هم و دینارت را از آنان پنهان می کنی! و باین حال خواهان نزدیکی و مصاحبت آنانی. عاقل باش و بدان که اینگونه محبت ها دروغی است، چون محب چیزی را از محبوب پنهان نمیدارد، و آنچه را که در راه دوست نثار خواهد کرد.

فقر همراه ملازم نبی اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بوده و آئی از وی بدور نبوده است، روی این اصل فرموده: «الْفَقْرُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُحِبُّهُ مِنْ سَبِيلِ الْمَاءِ إِلَى مَنَّتْهَا هُ»- (فقر سریعتر از سیلابی که به دره سر ازیر شود، بسوی دوستداران من خواهد رفت).

حضرت عائشه، ام المؤمنین (رضی الله تعالی عنها) فرمود: تا وقتیکه پیغمبر در میان ما بود، مادر عسرت و تنگدستی میزیستیم، ولی همینکه به امر حق تعالی از میان ما رفت، دنیا بماروی آورد و نعمت های آن بر ما ریزش نمود. پس شرط دوستی رسول قبول فقر، و لازمه خدادوستی، پذیرش بلا و رنج است.

از یکی از بزرگان قوم منقول است: بلا بر ولاء گمارده شده است، تا اینکه هر مدعی دروغگونی این ادعا را نکند، و هر منافق و ریاکاری لاف محبت خدا و رسول خدا را نزند. پس ای مدعی دروغین از ادعای پوچ خود باز گرد. اگر توانستی در ادعایت صادق باشی، نزد مایبیا، و گرنه از ما درو شو. دینار قلب و ناروای خود را به صیرفی ماهر نشان مده که ترا رسوا می سازد. با دم ما رو دیگر درندگان بازی مکن، که موجب هلاکت خواهند شد. اگر افسونگری را میدانی آنگاه به ما نزدیک شو. و اگر توان دفاع را داری آنوقت به درنده نزدیک شو. راه حق پیمودن، نیازمند نور معرفت و صدق است. نور معرفت در دل صدیقین تابان است و شب و روز درخشان و هیچگاه غروب نمی کند.

(باغلام) از منافقینی که بافعال خدا معترضند دوری کن، عاقل باش و به اکثر اهل این زمان نزدیک مشو، که آنان لباس ریا بر خود پوشیده اند. آئینه تفکر در دست گیر و بدان نگاه کن، و از خدای بخواه که بینش خودشناسی و غیر شناسی را بتو عطا کند. من خلق و خالق را آزموده ام، در نزد خلق همانا جز شر چیزی نیافتم، و در نزد خالق همه خیر و عنایت دیدم. بارخدایا ما را از شر اشرار در امان بدار، و خیر دنیا و آخرت را روزی ما گردان، علاقه من بشما بخاطر منفعت خود نیست، بلکه در فکر شمایم، و چیزی را از شما نمی گیرم انیکه بسود شما باشد. من بمقداری که از اموال شما بی نیاز باشم، دارم، و آنچه را که دارم یا حاصل کسب مشروع است، یا محصول توکل بحق. انتظار ندارم که شما چیزی نزد من آورید، مانند منافقی که به شما تکیه کرده است، و خدای را فراموش نموده.

من محک آزمایش مردم هستم، زرنخالص خود را به من عرضه نکنید، که من خوب و بد آن را به توفیق حق سبحانه و تعالی تشخیص میدهم. من خواستار رستگاری شمایم، پس بسان سندان باشید، تا مغزت شهوت و هوای نفس و شیطان شما را بر آن بکوبم. از اقران و دوستان بد دورتان دارم. از این دشمنان بخدا پناه ببرید، چه پیروز کسی است که بخدا متوسل شود، و خوار و ذلیل کسی است که از خدا دور باشد. آفات و بلاها فراوان است، اما نازل کننده آن واحد، همچنانکه بیماریها گوناگونند ولی طبیب یکیست. ای بیماران معنوی خود را به طبیب واقعی نشان دهید، و هرکاری را که با شما انجام میدهد، بدان اعتراض نکنید، چون او از خودتان نسبت به شما مهربانتر است. در پیشگاه تسلیم باشید و لب به اعتراض نگشایید، تا خیر دنیا و آخرت را بدست آورید. (در این حال) قوم در برابر خداوند، ساکت و بی اراده، منتهی باخوف و دهشت فراوان قرار می گیرند، و همینکه این حالت دوام یافت، آنگاه به اراده حق به نطق درمی آیند، بگونه ای که در قیامت جمادات به فرمان خدا دارای نطق و گوئی می شوند. پس آنان بمانند جماد، جز بخواست خدا چیزی نمی گویند، و غیر از آنچه که بدیشان عطا می شود چیزی نمی خواهند. گشایشی ندارند، مگر آنکه از جانب حق انبساط خاطر یابند. دلهایشان با قلوب فرشتگان پیوند میخورد، آن فرشتگانی که حضرت حق درباره آنان فرموده: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»

(- خدایا آنچه بدان امر شده اند نافرمانی نمی کنند، و به هر چه که مأمورند انجام می دهند! سوره تحریم آیت ۶).  
به فرشتگان می پیوندند، و از مقام و منزلت فرشته نیز برتر می روند، و آنها بیشتر به شناخت خدانا اهل می گردند. تاجائیکه فرشتگان در خدمت ایشان قرار می گیرند.

و از آنان بهره می گیرند، و این بدین خاطر است که چشمه سار حکمت الهی بر قلبشان ریزان میشود. دلهایشان از هرگونه شائبه و آفت تهی می گردد، و این فیض روحانی-حتی- به اعضاء و جوارح نیز سرایت می کند. اگر خواهان رسیدن به مقام آنانی، لازم است ابتداء به تحقیق در اسلام و-اصول بنیادین آن- همت گماری، سپس از تمام گناهان روی بر گردانی، چه در ظاهر و چه در باطن، رعایت ورع و زهد، از دنیا و شناخت حرام و مباح و حلال را وجه همت خویش قرار دهی، آنگاه با قرب حق از تمام دنیا استغناء حاصل نمائی، چنانچه توانستی به این مرحله برسی، فضل خدا بر تو ریزان می شود، و درهای رحمت و برکت او بر تو گشوده می شود. اول دنیا را بر تو تنگ می کند، سپس در غایت کمال برایت گشایش حاصل می کند. البته، معدودی از صلحاء و صدیقین هستند که از روی علم ازلی خداوندی بدین منزلت عالی می رسند. و آنان در اینچنین حالت جز خدا به چیز دیگری مشغول نخواهند بود و کسانی هم هستند که دنیا از ایشان کاملاً گرفته شده است، زیرا آنان خواستار آنند که همواره بخدا مشغول باشند، و از اینکه چیزی از دنیا بدانان عطا شود و بخود مشغولشان دارد، در هر اسند و اینگونه افراد نیز نادر و کمیابند، فرموده رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) در این خصوص است که می فرماید: اگر دنیا را به مؤمن عرضه کنند، از خدمت خدای روگردان نیستند و به دنیا مشغول نخواهند شد. همانگونه که دنیا به حضور مبارکش عرضه شد و از آن روی گرداند و فرمود: «رَبِّ أَحْبَبِي مَسْكِينًا وَأَمْتِي مَسْكِينًا وَأَحْسَنِي مَعَ الْمَسَاكِينِ» (خدایا، مرا مسکین زنده بدار! و مسکین بمران، و با مسکین محشور گردان).

زهد از دنیا پسندیده است، اما مؤمن نمی تواند از نصیب خود نیز روی گردان شود، ولی نه برای آن از خود حرصی نشان می دهد، نه در طلبش شتاب می کند. قلباً و باطناً از دنیا بیزار است، و در ظاهر به آنچه که بدو مأمور است مشغول است، میدانند که هر آنچه نصیب اوست خواهد رسید، لذا در طلب آن حرص و آز ندارد. هرگاه مؤمن به دنیا اعتنائی نکرد، دنیا بدنبال اومی آید و در برابرش خوار و زبون می گردد، و دنیا از اومی خواهد که وی را پذیرا شود.

(یا غلام) توبه ایمانی نیاز داری که به راه حق عزوجل راهبریت نماید، و یقینی را محتاجی که ترا بر آن ثابت نگهدارد. در آغاز این سیر، اول به کیسه زر، سپس به ایمان نیازمندی، خلاف راه مکه که برخی میگویند اول ایمان لازم است آنگاه همیان زر، همچنانکه از سفیان ثوری رحمة الله علیه، منقول است اول باری که بطلب علم پرداخت کیسه زری در کمر داشت، که پانصد دینار در آن بود، از آن خرج می کرد و گاهی بر آن می زد و میگفت: اگر تونبودی بماتوجهی نمی کردند، اما بمجرد اینکه فارغ التحصیل شدو خدای را شناخت، هر چه را که باقی مانده بود، در یک روز بزدل درویشان کرد، و گفت آسمان اگر مانند آهن شود و باران از آن نیارد، و زمین تمام تخته سنگ گردد، و گیاهی نرویانند، اگر در اینچنین حالتی برای روزی کوشش کنم کافر م.

بر تولا لازم است که در راه کسب حلال کوشا باشی، و اسباب معیشت را بدست آوری تا ایمانت کامل گردد، و سپس از این سبب ها به مسبب حقیقی بررسی. انبیاء کرام در بدایت امر کسب کرده و به اسباب ظاهری نیز متوسل بوده اند، و نهایتاً به مقام توکل دست یافته اند. و با رعایت جوانب شریعت و به عنایت بحقیقت، توکل و کسب را با هم جمع می نمودند. ای محروم کار و کسب را از دست مگذار، به امید آنچه که در دست دیگران است، و خود را به طمع تکدی از دیگران متوکل دروغین مساز. بدان گدائی و سر بار دیگران بودن موجب خشم خدا و عقوبت است. تکدی به اندازه زشت و ناپسند است که وقتی خدای عزوجل میخواست سلیمان را به جرم اینکه زنی مجسمه ای را چهل روز در خانه او عبادت کرد، عقوبت کند، به مدت چهل روز او را بگدائی وادار نمود، که در برابر هر روزی که آن زن تمثال را عبادت کرده بود، او یک روز گدائی کند.

غم قوم بشادی تبدیل نمی شود، دلها و دیدگانش قرار نمی گیرد، و آرامش نمی یابند، تا به لقاء الله نایل نگردند. دیدار خداوند دو گونه است، یکی در دنیا با دیده قلب و باطن، که بسیار نادر است، و دیگری در آخرت با چشم ظاهر. وقتی بدین موهبت رسیدند، آنگاه تمام غمها زایل می شود، و جای آنرا فرح و شادی می گیرد، اما پیش از این مقام، غم و مصیبت ایشان همیشگی است.

شیخ (رضی الله تعالی عنه) گفت: (یا غلام) نفس را، از شهوات منع کن و باطعام پاک اورا تغذیه کن. بدان که طعام پاک یعنی حلال و طعام نجس یعنی حرام. پس حلالش بخوران تا از سرکشی و خودخواهی دست بردارد، و به ادب و معرفت بگراید.

خدایا، ما را راهنمایی کن، تا تائب بشناسیم.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار»